

سال تحصیلی ۹۷-۱۳۹۶

درس عربی

قواعد و نکات کنکوری عربی دهم و یازدهم

- تدریس کامل قواعد عربی دهم و یازدهم
- کلمات و لغات دروس دهم و یازدهم
- کلمات مترادف و متضاد و جمع های مکسر دهم و یازدهم
- سوالات تألیفی تشریحی از دروس دهم و یازدهم



تهیه و تنظیم: علی (محمود) فدایی



دانلود از اپلیکیشن پادرس



« قواعد درس اول » : مرور دروس دوره اول دبیرستان :

حرکات و تنوین‌ها در زبان عربی عبارتند از :

- (۱) فتحه : « َ » ؛ الطَّالِبُ (۲) کسره : « ِ » ؛ التَّلْمِيزُ (۳) ضمه : « ُ » ؛ القرآنُ (۴) سکون : « ْ » ؛ هُمُ
- (۱) تنوین نصب : « ً » ؛ طالباً (۲) تنوین جرّ : « ِ » ؛ تَلْمِيزٍ (۳) تنوین رفع : « ُ » ؛ قُرْآنٌ (۲) فعل (۳) حرف

نشانه‌های اسم :

- (۱) « ال » می‌گیرند : الكتابُ. (۲) « تنوین » می‌گیرند : کتابٌ - شجرةٌ.
- (۳) علامت « ة - ة » می‌گیرند : الشجرة - الطالبة. (۴) حرف « ندا » (یا) فقط قبل از اسم‌ها می‌آید ؛ یا طالبُ المدرسة !
- (۵) حروف جرّ « فی - ب - إلى - من - ل - علی - عن - ک » فقط قبل از اسم‌ها می‌آیند ؛ فی بیت.
- (۶) کلماتی که « مضاف یا موصوف » واقع می‌شوند : کتابُ الطالبِ (کتاب : مضاف واقع شده است) / کتابٌ مفیدٌ (کتاب : موصوف واقع شده است)

اسم‌ها از نظر جنس :

در زبان عربی همه‌ی اسم‌ها دارای جنسیت هستند ؛ مذکر یا مؤنث.

- اسم مذکر : دارای نشانه و علامتی نیست. و به اسمی که مؤنث نباشد، مذکر گفته می‌شود ؛ والد - طیب - کتاب - القرآن - الطالب و
- اسم مؤنث : اسمی که غالباً دارای علامت « ة - ة » می‌باشد یا اینکه به جنس ماده برمی‌گردد ؛ الشجرة - والدة - الطبیبة - أخت - بنت و

اسم‌ها از نظر تعداد :

اسم‌ها در زبان عربی از نظر تعداد ؛ مفرد / مثنی / جمع

- اسم مفرد : اسمی که به یک فرد یا یک مکان و یا یک شیء برمی‌گردد ؛ والد - الشجرة - طیب - الطبیبة - کتاب - أخت و
- اسم مثنی : اسمی که به دو فرد یا دو مکان و یا دو شیء برمی‌گردد، و علامت آن « ان - ین - تان - تین ، زائده » می‌باشد ؛ الطالبان ، الطالبین - الشجرتان ، الشجرتین و

نکته ۱ : اسم‌هایی مانند ؛ نسیان - حنان - عُفْران - هجران - انسان - ألوان - کُسلان - عَظْشان - جوعان و ... اسم مثنی نیستند.

- اسم جمع : اسمی که به بیش از دو فرد یا دو مکان و یا دو شیء برگردد، که خود به دو شکل دیده می‌شود ؛ - جمع سالم - جمع مکسر

- جمع سالم : (۱) جمع مذکر سالم (۲) جمع مؤنث سالم

(۱) جمع مذکر سالم : اسمی که علامت آن « ون - ین ، زائده » می‌باشد ؛ المعلمون - المعلمین و

نکته ۲ : اسم‌هایی مانند ؛ مغبون - محزون - مجنون - مفتون و ... شیاطین - مساکین - بساتین - قوانین - مضامین و ... جمع مذکر سالم نیستند.

(۲) جمع مؤنث سالم : اسمی که علامت آن « ات ، زائده » باشد ؛ المعلمة - المعلمات - المسلمة - المسلمات و

نکته ۳ : اسم‌هایی مانند ؛ « أوقات - أموات - آبیات - أصوات » جمع مؤنث سالم نیستند.

فراتر از کتاب : در زبان عربی اسامی زیر مؤنث محسوب می‌شوند :

- (۱) اسم‌هایی چون ؛ شمس - أرض - نفس (جان) - دار (خانه) - ریح (باد) - نار (آتش) - بئر (چاه) و
- (۲) اسامی شهرها و کشورها ؛ ایران - لبنان - مصر - العراق و
- (۳) اسامی اعضای زوج بدن ؛ عین (چشم) - ید (دست) - رجل (پا) - اذن (گوش) - کف و

فراتر از کتاب : ← مصادری که بیش از سه حرف باشند، با علامت « **ات** » جمع بسته می‌شوند ؛ اقدام ؛ اقدامات - اختراعات و ...

☐☐ - جمع مکسر : به اسم‌های جمعی که علامت خاصی نداشته و از تغییر شکل مفرد کلمه به دست می‌آیند ؛ (باید آنها را به خاطر بسپاریم)
 یوم ← آیام طالب ← طَلَّاب - طَلَّابَة مَسْجِد ← مَسَاجِد مَدْرَسَة ← مَدَارِس عَمَل ← أَعْمَال و ...

فراتر از کتاب ← برای تعیین جنس اسم‌های جمع مکسر باید به مفرد آنها مراجعه کنیم.
 القادة ← القائد (مذکر) الطَّلَبَة ← الطَّالِب (مذکر) الأیام ← یوم (مذکر) الصَّخُور ← الصَّخْرَة (مؤنث)

فراتر از کتاب : ← برای اسم‌های جمع غیر عاقل (غیر انسان) مکسر و مؤنث ، از متعلقات (اسم اشاره - ضمیر - صفت و ...)
 « مفرد مؤنث » استفاده می‌کنیم. مثال : تلك الأشجارُ الباسقةُ جميلةٌ جداً. (الأشجار ؛ جمع مکسر غیر عاقل است)

☐☐ اسم‌های اشاره : در زبان عربی برای اشاره کردن به چیزی یا کسی یا جایی از اسم‌های اشاره زیر استفاده می‌شود : اسم‌های اشاره نزدیک و دور

اسم‌های اشاره دور (للبعید)		اسم‌های اشاره نزدیک (للقریب)		
مؤنث	مذکر	مؤنث	مذکر	
تلك (آن)	ذلك (آن)	هذه (این)	هذا (این)	مفرد
_____	_____	هاتان - هاتین (این دو)	هذان - هذین (این دو)	مثنی
أولئك (آنها)		هؤلاء (اینها)		جمع

فراتر از کتاب : ← کلمه‌ای که بعد از « اسم‌های اشاره » می‌آیند، به هیچ عنوان مضاف الیه نیست.

- اگر بدون « **ال** » بیایند حتماً « **خبر** » خبر می‌شوند ؛ مثال : - هذه طالبة ناجحة : طالبة ؛ خبر
 و اگر « **بال** » بیایند، تابع اسم اشاره می‌باشند که به آن « **مشار الیه** » نیز می‌گویند. مثال : - هذا الطالبة ناجحة ؛ الطالبة ؛ مشار الیه

اگر بعد از اسم‌های اشاره اسم « **ال دار** » بیاید، اسم اشاره اگر مفرد و چه مثنی و چه جمع باشد، باید به صورت « **مفرد** » ترجمه شود ؛ - هؤلاء الطلابُ مُجتهدون : این دانش آموزان کوشا هستند.
 ولی اگر بعد از اسم‌های اشاره اسم « **بدون ال** » آمده بود، اسم اشاره به صورت « **صیغهی خود** » ترجمه می‌شود.
 - أولئك طُلابٌ : آنها دانش آموز هستند. - هذان التلمیذان مؤدبان : این دو دانش آموز مودب هستند.

نکته ترجمه ای

☐☐ کلمات پریشی :

- | | | |
|--|-----------------------------------|---|
| (۱) کيفَ ؟ : چگونه ؟ | (۶) ما ؟ : چیست ؟ چه چیزی ؟ | (۱) أ - هلْ ؟ : آیا ؟ |
| (۱۲) ماذا ؟ : چه ؟ | (۷) ما هوَ (هی) ؟ : چیست ؟ | (۲) مَنْ ؟ : چه کسی ؟ چه کسانی ؟ |
| (۱۳) لماذا ؟ : برای چه ؟ | (۸) أين ؟ : کجاست ؟ | (۳) مَنْ هوَ (هی) ؟ : چیست ؟ |
| (۱۴) متى ؟ : چه زمانی ؟ چه وقت ؟ | (۹) من أين ؟ : از کجا ؟ اهل کجا ؟ | (۴) لِمَنْ ؟ : برای کسیت ؟ مال چه کسی است ؟ |
| (۱۵) لِمَ ؟ (مخفف لماذا) : برای چه ؟ | (۱۰) كمَ ؟ : چه قدر ؟ چند ؟ | (۵) أی ؟ : کدام ؟ |

چند مثال برای کلمات استفهامی :

- | | | |
|---|--|---|
| ۱- هَلْ تَكْتُبِينَ دُوسَكَ ؟ أَمْ تَقْرَأُ آيَاتِ الْقُرْآنِ ؟ | ۶- مَا هَذَا ؟ | ۱۱- كَيْفَ تَذْهَبُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ ؟ |
| ۲- مَنْ كَتَبَ التَّمَارِينَ ؟ | ۷- مَا هُوَ ؟ مَا هِيَ ؟ | ۱۲- مَاذَا أَكَلْتَ ؟ |
| ۳- مَنْ هُوَ ؟ مَنْ هِيَ ؟ | ۸- أَيْنَ كِتَابُكَ ؟ | ۱۳- لِمَاذَا تُسَاعِدُ النَّاسَ ؟ |
| ۴- لِمَنْ هَذِهِ الْمَحْفَظَةُ ؟ | ۹- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ ؟ | ۱۴- مَتَى تَذْهَبُ إِلَى الْبَيْتِ ؟ |
| ۵- أَيُّ يَوْمٍ بَعْدَ الْجُمُعَةِ ؟ | ۱۰- كَمَ طَالِباً فِي هَذَا الصَّفِّ ؟ | ۱۵- لِمَ لَا تَقْرَأُ دُرُوسَكَ ؟ |

* ضمایر : ضمیر کلمه ایست که جانشین اسم شده و از تکرار آن جلوگیری می کند. که در زبان عربی عبارتند از :

- ۱- ضمایر منفصل (جدا) ۲- ضمایر متصل (چسبیده)

* چند نکته برای ضمایر :

نکته ۴ : ضمایر منفصل عبارتند از (هُوَ - هُمَا - هُمْ ..) که در جمله غالباً اول جمله می آیند و همواره نقش « مبتدا » را دارند، به جز دو مورد :

- ۱- ضمیر تأکیدی : الف) بعد از فعل ضمیر منفصل همان صیغه بیاید : - جَلَسْتَ أَنْتَ - كَتَبْتَ أَنَا
 ب) بعد از ضمایر « هُ - هُمَا - هُمْ - هَا ... - هِيَ - نَا » ضمیر منفصل همان صیغه بیاید : - إِنَّكَ أَنْتَ - إِنَّهُ هُوَ
 ۲- بین دو اسم معرفه : این ضمیر بین دو اسم معرفه می آید تا اسم دوم را « صفت » در نظر بگیریم. بلکه باید آن را « خبر » جمله بدانیم.
 مثال : - اللهُ الرَّحِيمُ : (الرَّحِيمُ ؛ صفت برای الله) - اللهُ هُوَ الرَّحِيمُ : (الرَّحِيمُ ؛ خبر برای الله)

نکته ۵ : ضمایر متصل ضمیری هستند که به هر سه قسم کلمه (اسم - فعل - حرف) متصل می شوند :

- ✓ حالت اول : فعل + ضمایر متصل ← این ضمایر « مفعول » می شوند : - الْمُعَلِّمُ عَلَّمَكَ : معلّم تو را تعلیم داد. (به تو یاد داد)
 ✓ حالت دوم : اسم + ضمایر متصل ← این ضمایر « مضاف الیه » می شوند : - رَسُوْلُهُ : پیامبرش - مُعَلِّمُهُمْ : معلّم آنها (شان)
 ✓ حالت سوم : حروف جرّ + ضمایر متصل ← این ضمایر « مجرور بحرف جرّ » می شوند : - إِلَيْهِ : به سوی او - عَلَيْكُمْ : بر شما
 نکته ۶ : جنسیت اسم های اشاره و کلمات پرسشی (به جز ؛ هل و أ) و کلیه ضمایر همگی « اسم » می باشد.

* فعل ها : در زبان عربی « فعل » کلمه ایست که انجام کاری یا روی دادن حالتی را در زمان مشخصی به ما نشان می دهد.

فعل ها از نظر زمان به سه شکل دیده می شوند : (۱) فعل ماضی (گذشته) (۲) فعل مضارع (حال) (۳) فعل امر (دستوری)

- (۱) فعل ماضی : فعلی است که در زمان گذشته انجام شده و دارای ۱۴ صیغه می باشد. مثال : كَتَبَ - جَلَسُوا - فَتَحَتْ - ضَرَبْتَنَ - خَرَجْتُ - خَلَقْنَا.
 - فعل ماضی با حرف « ما » منفی می شود : - كَتَبَ : نوشت ← ما كَتَبَ : نوشتند ← ما جَلَسُوا : ننشستند
 (۲) فعل مضارع : فعلی است که در زمان حال انجام می شود و دارای ۱۴ صیغه می باشد. مثال : يَكْتُبُ - يَجْلِسُونَ - تَفْتَحُ - تَضْرِبْنَ - أَخْرَجُ - نَخْلُقُ.
 فعل مضارع با حروف « لا - ما » منفی می شود : - يَكْتُبُ : می نویسد ← لا يَكْتُبُ - ما يَكْتُبُ : نمی نویسد.

* فعل مستقبل : در زبان عربی برای ساختن فعل مستقبل از حروف « سَ - سَوْفَ » + فعل مضارع استفاده می کنیم : مثال :

- هُوَ سَيَكْتُبُ : او خواهد نوشت. (به زودی) - هُوَ سَوْفَ يَكْتُبُ : او خواهد نوشت. (آینده دور)

(۳) فعل امر : فعلی است که حالت دستوری دارد و فقط از « ۶ صیغه مخاطب » ساخته می شود.

مثال : - تَكْتُبُ ← اُكْتُبُ (بنویس) - تَجْلِسُونَ ← اِجْلِسُوا (بنشینید) - تَفْتَحْنَ ← اِفْتَحْنَ

«**طریقه‌ی ساختن فعل امر حاضر :**»

- ۱) فعل امر از «**۶ صیغه‌ی مخاطب**» ساخته می‌شود.
 ۲) ابتدا حرف «**ت**» را از اول فعل حذف می‌کنیم.
 ۳) در صورتی که پس از حذف «**ت**» با حرف ساکن «**ـُ**» روبرو شدیم، از همزه امر استفاده می‌کنیم، (اگر حرکت دار بود از همزه‌ی امر استفاده نمی‌کنیم)
 ۴) اگر حرکت عین الفعل (دومین حرف ریشه) «**ـُ**» داشت؛ از «**همزه‌ی اُ**» و اگر «**ـِ**» داشت؛ از «**همزه‌ی اِ**» استفاده می‌کنیم.
 ۵) در فعل للمُخاطَب (صیغه ۷) حرکت «**ـُ**» را در آخر فعل به «**ـُ**» و در صیغه‌های ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱؛ حرف «**نون‌شان**» را حذف می‌کنیم.
 و در صیغه ۱۲ (للمخاطبات) هیچ تغییری در آخر فعل ایجاد نمی‌کنیم. مثال :

۷- تَكْتُبُ ← اُكْتُبْ (بنویس)	۱۰- تَكْتُبِينَ ← اُكْتُبِي (بنویس)	۷- تَجْلِسُ ← اِجْلِسْ (بنشین)	۱۰- تَجْلِسِينَ ← اِجْلِسِي (بنشین)
۸- تَكْتُبَانِ ← اُكْتُبَا (بنویسید)	۱۱- تَكْتُبَانِ ← اُكْتُبَا (بنویسید)	۸- تَجْلِسَانِ ← اِجْلِسَا (بنشینید)	۱۱- تَجْلِسَانِ ← اِجْلِسَا (بنشینید)
۹- تَكْتُبُونَ ← اُكْتُبُوا (بنویسید)	۱۲- تَكْتُبِينَ ← اُكْتُبِي (بنویسید)	۹- تَجْلِسُونَ ← اِجْلِسُوا (بنشینید)	۱۲- تَجْلِسِينَ ← اِجْلِسِي (بنشینید)

«**طریقه‌ی ساختن فعل نهی :**»

- ۱) آوردن حرف «**لا نهی**» در ابتدای فعل مضارع .
 ۲) **مجزوم کردن فعل (مرحله ۵ ساخت فعل امر)**؛ در فعل للمُخاطَب (صیغه ۷) حرکت «**ـُ**» را در آخر فعل به «**ـِ**» و در صیغه‌های ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱؛ حرف «**نون‌شان**» را حذف می‌کنیم. و در صیغه ۱۲ (للمخاطبات) هیچ تغییری در آخر فعل ایجاد نمی‌کنیم.

۷- تَكْتُبُ ← لا تَكْتُبْ (ننویس)	۱۰- تَكْتُبِينَ ← لا تَكْتُبِي (ننویس)	۷- تَجْلِسُ ← لا تَجْلِسْ (ننشین)	۸- لا تَجْلِسِي (ننشین)
۸- تَكْتُبَانِ ← لا تَكْتُبَا (ننویسید)	۱۱- تَكْتُبَانِ ← لا تَكْتُبَا (ننویسید)	۸- تَجْلِسَانِ ← لا تَجْلِسَا (ننشینید)	۹- لا تَجْلِسَا (ننشینید)
۹- تَكْتُبُونَ ← لا تَكْتُبُوا (ننویسید)	۱۲- تَكْتُبِينَ ← لا تَكْتُبِي (ننویسید)	۹- تَجْلِسُونَ ← لا تَجْلِسُوا (ننشینید)	۱۰- لا تَجْلِسِي (ننشینید)

«**جدول فعل‌ها**» :- فعل‌ها (ماضی - مضارع - ماضی - امر - نهی) + نام صیغه‌ها + ضمائر منفصل و متصل :

نام صیغه به فارسی	نام صیغه به عربی	فعل ماضی	فعل مضارع	فعل امر	فعل مضارع نهی	ضمائر منفصل	ضمائر متصل
مفرد مذکر غائب	لِلْغَائِبِ	كَتَبَ : نوشت	يَكْتُبُ : می‌نویسد	لا يَكْتُبُ : نباید بنویسد	هُوَ	هَـ
مثنی مذکر غائب	لِلْغَائِبَيْنِ	كَتَبَا : نوشتند	يَكْتُبَانِ : می‌نویسند	لا يَكْتُبَا : نباید بنویسند	هُمَا	هُمَا
جمع مذکر غائب	لِلْغَائِبِينَ	كَتَبُوا : نوشتند	يَكْتُبُونَ : می‌نویسند	لا يَكْتُبُوا : نباید بنویسند	هُم	هُم
مفرد مؤنث غائب	لِلْغَائِبَةِ	كَتَبَتْ : نوشت	تَكْتُبُ : می‌نویسد	لا تَكْتُبُ : نباید بنویسد	هِيَ	هَا
مثنی مؤنث غائب	لِلْغَائِبَتَيْنِ	كَتَبَتَا : نوشتند	تَكْتُبَانِ : می‌نویسند	لا تَكْتُبَا : نباید بنویسند	هُمَا	هُمَا
جمع مؤنث غائب	لِلْغَائِبَاتِ	كَتَبْنَ : نوشتند	يَكْتُبْنَ : می‌نویسند	لا يَكْتُبْنَ : نباید بنویسند	هُنَّ	هُنَّ
مفرد مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِ	كَتَبْتَ : نوشتی	تَكْتُبُ : می‌نویسی	اُكْتُبْ : بنویس	لا تَكْتُبُ : نمی‌نویسی	أَنْتَ	كَـ
مثنی مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبَيْنِ	كَتَبْتُمَا : نوشتید	تَكْتُبَانِ : می‌نویسید	اُكْتُبَا : بنویسید	لا تَكْتُبَا : نمی‌نویسید	أَنْتُمَا	كُمَا
جمع مذکر مخاطب	لِلْمُخَاطَبِينَ	كَتَبْتُمْ : نوشتید	تَكْتُبُونَ : می‌نویسید	اُكْتُبُوا : بنویسید	لا تَكْتُبُوا : نمی‌نویسید	أَنْتُمْ	كُم
مفرد مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَةِ	كَتَبْتِ : نوشتی	تَكْتُبِينَ : می‌نویسی	اُكْتُبِي : بنویس	لا تَكْتُبِي : نمی‌نویسی	أَنْتِ	كِـ
مثنی مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَتَيْنِ	كَتَبْتُمَا : نوشتید	تَكْتُبَانِ : می‌نویسید	اُكْتُبَا : بنویسید	لا تَكْتُبَا : نمی‌نویسید	أَنْتُمَا	كُمَا
جمع مؤنث مخاطب	لِلْمُخَاطَبَاتِ	كَتَبْتُنَّ : نوشتید	تَكْتُبِينَ : می‌نویسید	اُكْتُبِينَ : بنویسید	لا تَكْتُبِينَ : نمی‌نویسید	أَنْتُنَّ	كُنَّ
مفرد متکلم	لِلْمُتَكَلِّمِ وَحْدَهُ	كَتَبْتُ : نوشتم	اُكْتُبُ : می‌نویسم	لا اُكْتُبُ : نباید بنویسم	أَنَا	سِـ
لِلْمُتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ	مثنی یا جمع متکلم	كَتَبْنَا : نوشتیم	نَكْتُبُ : می‌نویسیم	لا نَكْتُبُ : نباید بنویسیم	نَحْنُ	نَا

طبق جدول صرف فعل‌ها ؛ هرگاه بعد از یکی از صیغه‌های فعل « **کانَ - کَانَا - کَانُوا** .. » با فاصله یا بی فاصله (یک « **فعل مضارع** » بیاید، ما آن دو فعل را با هم به صورت « **ماضی استمراری** » ترجمه می‌کنیم :

- **كَانَ** الطِّفْلُ **يَلْعَبُ** فِي السَّاحَةِ : کودک در حیاط بازی می‌کرد. - المؤمنونَ **كَانُوا** **يَذْهَبُونَ** إِلَى الْمَسْجِدِ : مؤمنان به مسجد می‌رفتند.

** حروف اصلی (ریشه) - وزن اسم‌ها :

در زبان عربی بیشتر کلمات ریشه‌ی فعلی دارند (همان سه حرف اصلی). به ریتم و آهنگ هر کلمه « **وزن** » آن کلمه گفته می‌شود. بارها در کلمات دیده‌ایم که کلمات هم‌خانواده از یک ریشه‌اند و از سه حرف اصلی تشکیل شده‌اند. مثال : حامد - حمید - مُحَمَّد - أَحْمَد - مَحْمُود ، همگی از ریشه‌ی « ح م د » ساخته شده‌اند. حال اگر به جای ریشه‌ی فعل « **فَعَلَ** » را قرار دهیم وزن آن کلمه به دست می‌آید.

کلمه ← جاهل	مَحْبُوب	رِزَاق	أَحْمَد	كَتَبْتَنَ	مَعْبَد	مُجَاهِد
وزن ← فاعل	مَفْعُول	فَعَال	أَفْعَل	فَعَلْتَنُ	مَفْعَل	مُفَاعِل

☑☑ ترکیب اضافی - وصفی :

(۱) **ترکیب اضافی** : هرگاه دو اسم کنار هم بیایند که اسم اول به اسم دوم **اضافه** شود، به آن ترکیب « **ترکیب اضافی** » گفته می‌شود. به اسم اول ← « **مُضَاف** » و به اسم دوم ← « **مُضَاف إِلَيْهِ** » گفته می‌شود.

☑ مضاف هرگز « **ال** » و « **تنوین** » نمی‌گیرد ؛ مِثْلَ الشَّجَرَةِ (مِثْلَ : مضاف ؛ الشَّجَرَةِ : مضاف إِلَيْهِ)

☑ (به ترکیب اسم + اسم یا اسم + ضمیر ؛ « **ترکیب اضافی** » گفته می‌شود. - کتابٌ + الطالب ← کتابُ الطَّالِبِ - الكتابُ + كَ ← كِتَابُكَ)

☞☞ چند مثال برای ترکیب اضافی ☞☞ :

- الْمَطْرُ + هُ ← - الْأَحَدُ + الْمُوظَّفِينَ ← - الْإِسْمَ + كَ ← - جَنْبَ + كُمْ ←
 - الرَّحْمَةُ + اللَّهِ ← - الْكِتَابَ + هَذَا ← - الْمُعَلِّمُ + الْمَدْرَسَةَ ← - الْقَلَمَ + عَلِيٍّ ←
 - الْكِتَابُ + الطَّالِبُ + الْمَدْرَسَةُ ← - الزَّائِرُ + الْمَرْقَدُ + الْأَمِيرُ + الْمُؤْمِنِينَ ←

(۲) **ترکیب وصفی** : هرگاه دو اسم کنار هم قرار گیرند که اسم دوم اسم اول را **توصیف** کند و یکی از ویژگی‌های اسم اول را بیان کند، به آن ترکیب

« **ترکیب وصفی** » گفته می‌شود. که به اسم اول « **موصوف** » و به اسم دوم « **صفت** » گفته می‌شود.

☑☑ لازم است بدانیم که صفت در چهار مورد از موصوف خود تبعیت می‌کند :

(۱) **جنس** (مذکر و مؤنث بودن) (۲) **تعداد** : (مفرد و مثنی و جمع بودن) (۳) **داشتن و یا نداشتن « ال » و تنوین** (۴) **حرکات** (اعراب)

مثال : - التَّلْمِيذُ النَّاجِحُ - الْكِتَابُ الْمُفِيدُ - شَجَرَةٌ بَاسِقَةٌ - طَالِبٌ مُجْتَهِدٌ - الطَّالِبُونَ الْمُجْتَهِدُونَ

☞☞ چند مثال برای ترکیب وصفی ☞☞ :

- الْبَيْتُ + الْكَبِيرُ ← - التَّلْمِيذَةُ + الْمُفِيدَةُ ← - الْمُعَلِّمِينَ + الْمُجْتَهِدِينَ ←
 - حَرَارَةٌ + الْمُتَشْرِبَةُ ← - قُدْرَةٌ + مُقْتَدِرَةٌ ← - الْكِتَابَ + الْمُفِيدَ ←

☑ **نکته ۷** : در زبان فارسی برای نوشتن یک ترکیب اضافی به همراه ترکیب وصفی، ابتدا صفت را آورده و بعد از آن مضاف‌الیه را می‌آوریم.

ولی در زبان عربی دقیقاً برعکس می‌باشد، یعنی ابتدا مضاف‌الیه و سپس صفت را می‌آوریم. (حتی اگر چند مضاف‌الیه داشته باشیم) مثال :

- کتاب مفید من : **کتابی المفید** / تیم برنده ما : **فَرِيقَنَا الْفَائِزَ** / خواهر بزرگ تو : **أُخْتِكِ الْكَبِيرَةَ** / کار شایسته آنها : **عَمَلُهُمُ الصَّالِحَ**

☑ **نکته ۸** : همانطور که (در قسمت اسم) گفته شد بهتر است برای « **جمع‌های مکسر و مؤنث سالم غیر عاقل** » از متعلقات « **مفرد مؤنث** »

استفاده کنیم. پس بهتر است برای این دسته از اسم‌ها از « **صفت مفرد مؤنث** » استفاده کنیم. مثال : - الْأَشْجَارُ الْبَاسِقَةُ - الْكُتُبُ الْمُفِيدَةُ - بِيوتٌ كَبِيرَةٌ

اعداد اصلی و ترتیبی :

@Arabicfadaei / تلگرام

۱) اعداد اصلی : ↓↓↓

مذکر	واحد	إثنان	ثلاث	أربع	خمس	ست	سبع	ثمانی	تسع	عشر	أحد عشر	إثنا عشر
مؤنث	واحدة	إثنتان	ثلاثة	أربعة	خمس	ستة	سبعة	ثمانية	تسعة	عشرة	إحدى عشرة	إثنتا عشرة
ترجمه	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	دوازده

۲) اعداد ترتیبی : ↓↓↓

مذکر	الأول	الثاني	الثالث	الرابع	الخامس	السادس	السابع	الثامن	التاسع	العاشر	الحادي عشر	الثاني عشر
مؤنث	الأولى	الثانية	الثالثة	الرابعة	خمس	السادسة	السابعة	الثامنة	التاسعة	العاشر	الحادية عشر	الثانية عشر
ترجمه	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم	یازدهم	دوازدهم

روزهای هفته :

السبت : شنبه - الأحد : یکشنبه - الإثنين : دوشنبه - الثلاثاء : سه شنبه - الأربعاء : چهارشنبه - الخميس : پنجشنبه - الجمعة : جمعه

فصل های سال :

الربيع : بهار - الصيف : تابستان - الخريف : پاییز - الشتاء : زمستان

رنگ های اصلی :

البيض : سفید - الأسود : سیاه - الأخضر : سبز - الأصفر : زرد - الأزرق : آبی

ساعت :

در زبان عربی برای پرسیدن ساعت از سؤال « كم الساعة ؟ » استفاده می کنیم و در پاسخ به آن اعداد ترتیبی را به کار می بریم.

الواحدة (۱:۰۰) - الثانية (۲:۰۰) - الثالثة (۳:۰۰) - الرابعة (۴:۰۰) - الخامسة (۵:۰۰) - السادسة (۶:۰۰)
 السابعة (۷:۰۰) - الثامنة (۸:۰۰) - التاسعة (۹:۰۰) - العاشرة (۱۰:۰۰) - الحادية عشر (۱۱:۰۰) - الثانية عشر (۱۲:۰۰)

که می توانیم به انتهای آنها کلمه ی « تماماً » اضافه کنیم.

مثال : كم الساعة ؟ السادسة تماماً : ساعت چند است ؟ ساعت شش است. - كم الساعة ؟ الثالثة تماماً : ساعت چند است ؟ ساعت سه است.

** و برای بیان « ۱۵ دقیقه - ۳۰ دقیقه - ۴۵ دقیقه » به ترتیب از کلمات « الربع - النصف - إلّا ربعاً » استفاده می کنیم. مثال :

- كم الساعة ؟ التاسعة و الربع : ساعت چند است ؟ ساعت نه و ربع است. (۹:۱۵)

- كم الساعة ؟ العاشرة و النصف : ساعت چند است ؟ ساعت ده و نیم است. (۱۰:۳۰)

- كم الساعة ؟ الخامسة إلّا ربعاً : ساعت چند است ؟ ساعت یک ربع به پنج است. (۴:۴۵)

***** « قال رسول الله (ص) : تَفَكَّرْ ساعةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً » *****

« پیامبر خدا (ص) فرمود : یک ساعت فکر کردن بهتر از هفتاد سال عبادت است »

*** لغات و کلمات درس اول ***

۵۱) العشاء : شام	۲۶) زان : زینت داد - آراست	۱) مُرَاجَعَة : دوره کردن (مصدر)
۵۲) الأسود : سیاه	۲۷) الأُنْجُم - النُّجُوم : ستاره‌ها (جمع : النُّجْم)	۲) ذَاكَ : آن
۵۳) الآبِیض : سفید	۲۸) الدُّرَر : مرواریدها (جمع : دُرّ)	۳) ذات : دارای
۵۴) الأزرق : آبی	۲۹) الغَیْم : ابر (مترادف : سحاب)	۴) الغُصُون : شاخه‌ها (جمع : غُصْن - أغصان)
۵۵) الأصفر : زرد	۳۰) أنزَلَ : نازل کرد	۵) النَّضِرَة : تر و تازه
۵۶) الأخضر : سبز	۳۱) المَطَر : باران	۶) نَمَتْ : رشد کرد (مؤنث)
۵۷) الغالی - الغالیة : گران	۳۲) قُل : بگو	۷) الحَبَّة : دانه
۵۸) یَدُورُ : می‌چرخد (ماضی : دار)	۳۳) التَّعارُف : آشنا شدن - آشنایی (مصدر)	۸) صارَ : شد (مضارع : یصیر)
۵۹) الفستان : لباس زنانه	۳۴) المَطَار : فرودگاه	۹) إِبْحَثْ : جستجو کن (بَحَث - یَبْحَث - بَحْث)
۶۰) الفائزات : برندگان	۳۵) القاعة : سالن	۱۰) یُخْرِجُ : خارج می‌کند - بیرون می‌آورد
۶۱) البطارية : باطری	۳۶) مَعَ الأَسْف : متأسفانه	۱۱) الثَّمَر - الثَّمَرَة : میوه
۶۲) المفتاح : کلید	۳۷) الصُّوم : روزه	۱۲) ذَا (هذا) : این
۶۳) شراء : خریدن	۳۸) كَمَل : کامل کن	۱۳) مَنْ ذَا : این کیست ؟
۶۴) المسموح : مجاز	۳۹) عَیْن : مشخص کن (عَیْن - یُعَیْن)	۱۴) الَّتِی : کسی که - که
۶۵) رَقَدَ : خوابید (مترادف : نام)	۴۰) غَدَاً : فردا	۱۵) الجَذْوَة : پاره‌ی آتش
۶۶) الرخيص : ارزان	۴۱) مَلَكَ : فرمانروایی کرد - مالک شد	۱۶) المُستَعْرَة : فروزان
۶۷) الرأسب : مردود	۴۲) الأراذل : فرومایگان	۱۷) ضیاء : روشنایی
۶۸) المستعین : یاری جوینده	۴۳) الأفاضل : شایستگان	۱۸) المُنتَشِرَة : پراکنده
۶۹) المحافظة : استناداری - نگهداری	۴۴) العُدوان : دشمنی	۱۹) أوجَدَ : پدید آورد
۷۰) القبیح : زشت (القُبْح : زشتی)	۴۵) الخُسران : زیان	۲۰) الجَوّ : هوا - فضا
۷۱) الفراغ : جای خالی	۴۶) تَرَجِمَ : ترجمه کن (تَرَجَمَ - یُتَرَجِم)	۲۱) الشَّرَرَة : پاره‌ی آتش - اخگر
۷۲) المُجِدّ : کوشا (مترادف : المُجْتَهِد)	۴۷) كانوا یظلمون : ظلم می‌کردند	۲۲) الأُنعم - النعم : نعمت‌ها (جمع : النعمَة)
	۴۸) لا تَقْتُلُوا : نکشید	۲۳) المُنْهَمِرَة : ریزان
	۴۹) الفطُور : صبحانه	۲۴) البالیغة : کامل
	۵۰) الغداء : ناهار	۲۵) المُقتَدِر : توانا - نیرومند

*** کلمات مترادف درس اول ***

۳) الضیاء = النور (روشنایی)	۲) المُجْتَهِد = النَّاجِح، مُجِدّ (کوشا)	۱) الجَذْوَة = الشَّرَرَة (پاره آتش)
۶) الثَّمَر = الفواكه (میوه)	۵) الغَیْم = السحاب (ابر)	۴) رَقَدَ = نام (خوابید)
۹) اللسان = اللُغَة (زبان)	۸) الحَیْب = الصَّدِیق (دوست)	۷) العُدوان = العداوة (دشمنی)
۱۲) ضَع = إَجْعَل (قرار بده)	۱۱) المُجْتَهِد = المُجِدّ (کوشا ، تلاشگر)	۱۰) ذَا = هذا (این)

*** « کلمات متضاد درس اول » ***

- | | | |
|--|---|--|
| ۱) الأراذل ≠ الأفاضل (فرومایگان ≠ شایستگان) | ۲) زرع ≠ حصَد (کاشت ≠ درو کرد) | ۳) القليل ≠ الكثير (کم ≠ زیاد) |
| ۴) الأسود ≠ الأبيض (سیاه ≠ سفید) | ۵) الرخيصة ≠ الغالية (ارزان ≠ گران) | ۶) البيع ≠ الشراء (فروش ≠ خرید) |
| ۷) الرأسب ≠ المُجدّ، النَّاجح (مردود ≠ کوشا) | ۸) يسار ≠ يمين (چپ ≠ راست) | ۹) القبيح ≠ الجميل (زشت ≠ زیبا) |
| ۱۰) الحزين ≠ المسرور (ناراحت ≠ خوشحال) | ۱۱) المنوع ≠ المسموح (ممنوع ≠ مجاز) | ۱۲) الهداية ≠ النهاية (آغاز ≠ پایان) |
| ۱۳) البعيد ≠ القريب (دور ≠ نزدیک) | ۱۴) لا تدخلوا ≠ لا تخرجوا (داخل نشوید ≠ خارج نشوید) | ۱۵) صدق ≠ كذب (راستی ≠ دروغ) |
| ۱۶) اليوم ≠ غداً (امروز ≠ فردا) | ۱۷) يعيش ≠ يموت (زندگی می کند ≠ می میرد) | ۱۸) الدنيا ≠ الآخرة (دنیا ≠ آخرت) |
| ۱۹) يسس ≠ رجا (نا امید شد ≠ امیدوار شد) | ۲۰) ينفع ≠ يضر (سود می رساند ≠ ضرر می رساند) | ۲۱) قصير ≠ طويل (کوتاه ≠ بلند) |
| ۲۲) غداً ≠ أمس (فردا ≠ دیروز) | ۲۳) ضياء ≠ ظلمة (نور ≠ تاریکی) | ۲۴) صباح ≠ مساء (صبح ≠ عصر) |

*** « جمع‌های مکسر درس اول » ***

- | | | | |
|---------------------------------|------------------------------|----------------------------|----------------------------|
| ۱) أحجار ← حَجَر (سنگ) | ۲) أفاضل ← أفضل (برتر) | ۳) فصول ← فصل (فصل) | ۴) ألوان ← لون (رنگ) |
| ۵) أنفُس ← نفس (جان) | ۶) دُرر ← دُرّ (مروارید) | ۷) أنجم ← نجم (ستاره) | ۸) عقارب ← عقربة (عقربه) |
| ۹) أنعم - نعم ← نعمة (نعمت) | ۱۰) أبواب ← باب (درّ) | ۱۱) أصدقاء ← صديق (دوست) | ۱۲) جبال ← جبل (کوه) |
| ۱۳) غصون - أغصان ← غصن (شاخه) | ۱۴) أراذل ← أرذل (فرومایه) | | |

@Arabicfadaei / تلگرام

محل یادداشت نکات

